

## پیوست مقاله

### دوره‌بندی تاریخ ایران و ویژگی‌های هر دوره از نگاه محققان مارکسیست\*

نظریه‌پردازان مارکسیست تاریخ ایران، ضمن تطبیق تحولات تاریخ ایران ذیل الگوی مراحل مارکسی و کوشش برای تحلیل تاریخ هر مرحله ذیل این منطق عمومی، کوشیدند تا نشان دهند که جامعه ایرانی در هر یک از این مراحل در کنار ویژگی‌های عمومی و مشترک با سایر جوامع واجد چه ویژگی‌های خاصی بوده است. در جدول ۲ مندرج در مقاله، جمع‌بندی تحلیل مارکسیستی ارتدکس از مراحل تاریخ ایران و ویژگی‌های هر دوره به صورتی فشرده آورده شده است، ولی به مقتضای محدودیت حجم مقاله، امکان توضیح و تشریح اطلاعات موجود در جدول ممکن نبود. در ادامه تلاش خواهد شد تا نوعی جمع‌بندی از روایت مارکسیستی از مراحل تاریخ ایران با استناد به نوشته‌های محققان مارکسیست ارائه شود.

#### ۱. جماعت‌های اشتراکی اولیه

نخستین دوره از تاریخ ایران، دوره پیش از تأسیس دولت ماد را شامل می‌شود. در این دوره الگوی غالب زندگی، استقرار مجموعه‌ای از قبایل و جماعت‌های عشیره‌ای در محدوده فلات ایران بود (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۳: ۷). اساس این «نظام‌های ابتدایی» مبتنی برای زندگی قبایلی، شکارگری و گله‌داری، مالکیت اشتراکی، برابری عشیره‌ای و مناسبات مبتنی بر مادرسالاری و پدرسالاری بوده که بقایای آن در قالب عشایر تا امروز باقی مانده است (انصاف‌پور، ۲۵۳۵: ۱۰۹-۹۶؛ قلی‌اوف، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵؛ طبری، ۱۳۵۸: ۱۰). این اجتماعات اولیه واجد دولت نبودند و نوعی «دموکراسی قبیله‌ای یا دموکراسی نظامی» جریان داشت که با شکل‌گیری دولت‌های آریایی از میان رفته است (طبری، ۱۳۵۸: ۳۴-۳۱). البته بعضاً به وجود شکل‌های ابتدایی دولت در نزد لولوبیان و کوتیان در نواحی شمال غربی ایران اشاره شده است. این نظام‌های بدوی به دلیل تحولاتی مانند ورود قبایل آریایی، گسترش کشاورزی، تحولات تکنولوژیکی، ارتقای بهره‌وری، شکل‌گیری مالکیت، نابرابری و برآمدن قشرهایی چون اعیان و کاهنان روبه فروپاشی نهاد (قلی‌اوف، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۶؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲(الف): ۵۲۲؛ گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۴۰-۳۲).

#### ۲. دوره برده‌داری

دوره برده‌داری در تاریخ با تأسیس پادشاهی ماد (۶۷۸ ق. م) آغاز شد و تا فروپاشی دولت اشکانی (۲۲۴ م) تداوم یافت. ایگور دیاکونوف در تاریخ ماد (۱۹۵۶) گذار از جوامع اشتراکی اولیه به دولت ماد را براساس «تئوری علمی مترقی برده‌داری» تبیین کرد. مطابق این تحلیل جماعت‌های

\* این نوشتار به‌عنوان بخشی از مقاله زیر با هدف ارائه توضیحات بیشتر تهیه شده است:

حجت کاظمی. (۱۴۰۰) «تاریخ‌نگاری مارکسیستی و ماهیت جامعه و دولت در ایران سنتی»، فصلنامه سیاست، ۵۱، ۴: ۱۰۹۱-۱۰۶۳ <DOI:10.22059/JPQ.2022.312390.1007690>

اشتراکی پراکنده در مناطق کوهستانی غرب ایران «از قرن نهم تا هفتم قبل از میلاد نخستین مدارج تکامل جامعه طبقاتی و دولت» را پیموندند (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۹۸) و گذاری به سوی تأسیس دولت ماد شکل گرفت. طبقه حاکم ماد گروه «بنده‌داران» نوپدیدی بودند که حکومت آنها علاوه بر بردگان بر مردان دارای مشاغل آزاد نیز متکی بوده است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۴۴). بردگان در جریان فتوحات جنگی و اضمحلال نظام عشیره‌ای به دست می‌آمدند. دولت ماد محصول این نظام طبقاتی در حال دگرگونی بود.

تکامل و استقرار برده‌داری در دوره هخامنشی «جهش تندی» یافت (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۸۹). در این دوره ساختار طبقاتی مشخصی شکل گرفت که در رأس آن خانواده سلطنتی، متولیان مذهبی، بازرگانان عمده، اشرافیت نظامی و صاحب‌منصبان اداری بودند (Dandamayev, 1984: 49) این دوره همچنین مقطع «پیدایش و تأسیس دولت ایران» بر مبنای «اتحادیه‌های قبایل ایرانی» بود (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۳: ۱۷). در این دوره در اثر فتوحات اراضی وسیعی در اختیار طبقه حاکمه قرار گرفت و از کار بردگان به نحو وسیعی در این زمین‌ها یا کارهای خانگی بهره‌برداری می‌شد (داندامایف، ۱۳۸۹؛ Dandamayev, 1984). سلوکیان شهرهای خودمختار (مشابه شهرهای یونانی) را به این ساختار افزودند و سبب تکمیل نظم برده‌داری شدند (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۱۲۸). در دوره اشکانی نیز، برده‌داری «از لحاظ اقتصادی جنبه قاطعیت» داشته است. (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۱۱ و ۶۹-۶۷؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲(ب): ۱۳۲-۱۲۹). وجود شهرهای نسبتاً مستقل مبتنی بر برده‌داری که از روستاهای اطراف بهره‌کشی می‌کردند نیز از دیگر ویژگی‌های این دوره است. (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۲۹-۲۴). اداره این شهرها «در دست شورای شهروندان بوده است» (نعمانی، ۱۳۵۸: ۴۶۶؛ لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۰۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۲(ب): ۲۱۶-۲۱۷).

فراورده مهم تکوین جامعه طبقاتی مبتنی بر برده‌داری، از میان رفتن دموکراسی قبیله‌ای و تکوین دولت ایرانی تحت سیطره طبقه حاکم بود. ساختار دولت‌های ماد، هخامنشی، سلوکی و اشکانی مبتنی بر الگویی غیرمتمرکز بود که در آن قدرت‌های محلی شامل خانواده‌های قدرتمند و قبایل و شهرهای خودمختار ذیل قدرت پادشاه مرکزی اعمال قدرت می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۶۷-۶۱، ۲۹-۲۴). مارکسیست‌ها، مقطع پایانی دوران اشکانی را با «دوران انحطاط برده‌داری» معادل می‌دانند. بحران در اقتصاد برده‌داری در شرق مدیترانه و اوج‌گیری مناسبات ملوک‌الطوایفی، در نهایت به تجزیه دولت اشکانی و شکل‌گیری ملوک‌الطوایفی متشکل از ۲۴۰ حکومت محلی منتهی شد (لوکونین، ۱۳۵۰: ۵۴). «پادشاهی پارت در واقع بر اثر جریانات پریپیچ‌وخم داخلی که نتیجه تغییر ساختمان اجتماعی آن کشور بوده از پای درآمد» (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۱۲-۱۱۱).

### ۳. دوره فئودالی

در تقسیم‌بندی مارکسیستی فئودالیسم به‌عنوان گسترده‌ترین دوره تاریخ ایران فاصله زمانی اواخر دوره اشکانی تا هجوم امپریالیستی غرب را شامل می‌شود. این دوره در ادبیات مارکسیستی به دو دوره

«فئودالیسم متقدم» و «فئودالیسم متأخر» تقسیم می‌شود (پتروشفسکی، ۱۳۵۹: ۳۴). در فاصله سده سوم تا پنجم میلادی تحولاتی شکل گرفت که به زوال تدریجی برده‌داری و استقرار فئودالیسم متقدم در ایران منتهی شد (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۱۵۸-۱۵۷). از میان رفتن جماعت‌های روستایی خودمختار و شکل‌گیری اراضی وسیع تحت سیطره دربار و زمین‌داران بزرگ در بین‌النهرین نقطه آغاز این تحول بود (لوکونین، ۱۳۵۰: ۵۹؛ نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۶۹ و ۲۹۳). با تأسیس دولت ساسانی این روند تسریع و در سده پنجم این مناسبات به صورت کامل مستقر شد. دو سده پایانی دولت ساسانی (پنجم تا هفتم میلادی) دوران اوج فئودالیسم متقدم ایرانی است (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۱۷۲-۱۷۱).

فتوحات اسلامی اگرچه ابتدا سبب رشد مالکیت دولتی، رشد برده‌داری و آسیب دیدن تولید شد (پتروشفسکی، ۱۳۵۴: ۴۴؛ نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۹۸-۲۹۶، ۲۸۶-۲۸۵)، اعراب نیز پس از مدتی «به جریان عمومی فئودالیزاسیون کشورهای آسیای مقدم و میانه کشانده شدند» (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۳: ۱۶۳). به واسطه واگذاری زمین در ازای خدمات، «تجزیه‌طلبی فئودال‌های بزرگ» شکل گرفت و به تشکیل حکومت‌های مستقل در سده‌های سوم و چهارم و تضعیف خلافت منجر شد (نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۸۸-۲۸۶). تجزیه ایران از خلافت بغداد، آغاز «جامعه پیشرفته فئودالی» است. نمود این وضعیت از میان رفتن کار بردگی و جماعت‌های آزاد و بروز و ظهور مالکیت فئودالی و وابستگی روستائیان به فئودال‌ها در شکل تمام کمال آن در طی سده‌های چهارم تا ششم بود (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۱۹۶). سلجوقیان علی‌رغم شکل دادن به مالکیت دولتی اولیه، با ایجاد نظام اقطاع، بنیادهای تجزیه فئودالی و شکل‌گیری پراکندگی قدرت را نهادند (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۳: ۲۴۷-۲۳۶ و ۲۱۷، ۲۱۴). در سده‌های چهارم و ششم هجری قمری اشکال تکامل‌یافته‌تر مالکیت فئودالی یعنی مالکیت مشروط و مبتنی بر سلسله‌مراتب، نوع غالب زمین‌داری در فلات ایران شد. اراضی مشروط اقطاع به تدریج به املاک موروثی تبدیل شدند و بر بنیان آنها حکومت‌های محلی شکل گرفتند. در آستانه هجوم مغولان، مناسبات فئودالی در ایران در اوج شکوفایی بود. (نعمانی، ۱۳۵۸: ۳۰۶ و ۲۸۸-۲۸۷).

هجوم مغولان پیامدهای مهمی برای فئودالیسم ایرانی در پی داشت، اگرچه پیامد اولیه هجوم مغولان انحطاط فئودالیسم بود، با اصلاحات دوره غازان‌خان تمرکز قدرت و کشاورزی احیا شد. بازگشت به سیستم اقطاع و سیورغال در این دوره به شکل‌گیری تدریجی مالکیت خصوصی نامشروط و در نهایت تقید بیشتر روستائیان به زمین منجر شد که نتیجه نهایی آن تجزیه قدرت مرکزی، بحران اقتصادی و شورش‌های فرودستان ایرانی است. پتروشفسکی تأکید دارد که علی‌رغم وقفه کوتاه تهاجم‌های تیمور، منطق تاریخ ایران تا هجوم صفویان ذیل همین وضعیت تکامل‌یافته فئودالی قابل توضیح است (پتروشفسکی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۰۷ و ۹۲-۹۱؛ آریانپور، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۶). دوره صفوی از منظر منطق عمومی فئودالیسم ایرانی، بازگشت به چرخه تمرکز اولیه و تمرکززدایی بعدی بود. تلاش شاه‌عباس برای اعاده تمرکز قدرت به‌رغم موفقیت‌های اولیه در نهایت به موفقیت قطعی نرسید. اراضی تبول افزایش یافت و مالکیت‌های وقفی رو به گسترش نهاد. سران ایلات نیز زمین‌های خود را که «پورت و الکا» نامیده می‌شد، در اختیار داشتند. دوران پایانی صفویه همزمان با تقویت گرایش‌های فئودالی‌گریز از مرکز است که فرجام آن به هجوم افغانان منتهی شد (نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۹۱-۲۹۰).

محققان مارکسیست دوره اواخر صفویه تا جنگ‌های ایران و روسیه را به‌عنوان دوره‌ای «انحطاط» در نظام فئودالی در نظر می‌گیرند که در آن فئودال‌های بزرگ درگیر نبرد قدرت بودند و آشفتگی و ویرانگری به‌وجود آوردند (کوزنتسوا و همکاران، ۱۳۶۰: ۵۵؛ آرونوا و اشرافیان، ۲۵۳۶: ۲۹۷-۲۶۲). ایران در پایان قرون فئودالی خود یک نظام اجتماعی کهنسال بود که «به‌سوی فروپاشی، تلاشی و انحطاط می‌رفت» و ساختار آن بر ترکیبی «از زمین‌سالاری (فئودالیسم) و پدرسالاری (پاتریارکالیسم) استوار بود (طبری، ۱۳۶۰: ۳۲).

#### ۴. امپریالیسم و شکل‌گیری سرمایه‌داری پیرامونی در ایران

بخش زیادی از تحلیل‌های چپ‌گرایانه از تاریخ ایران به مرحله متأخر آن یعنی مرحله بعد از مواجهه با غرب متمرکز بودند (ویلر، ۱۳۶۰). مطابق تحلیل مارکسیستی منطق عمومی جاری در تاریخ ایران در دو قرن نوزدهم و بیستم عبارت از «زوال تدریجی جامعه فئودالی» و «استقرار کند و دردناک جامعه سرمایه‌داری» بود (طبری، ۱۳۶۰: ۱۳-۱۱). اما این تحول برخلاف نمونه غربی آن، فرایندی درون‌زاد نبوده است. در نتیجه سیطره امپریالیستی نوع خاصی از سرمایه‌داری شکل گرفته است که «سرمایه‌داری پیرامونی»، «سرمایه‌داری وابسته» یا «شیوه تولید مستعمراتی» نامیده شده است (رواسانی، ۱۳۸۸). این‌گونه خاص در مقایسه با سرمایه‌داری غربی ماهیتی «وابسته»، «ناهنجار» و «بیمار» دارد (طبری، ۱۳۶۰: ۱۶ و ۶۲؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴۴).

دوره نخست فرایند تبدیل ایران به کشوری «نیمه مستمره» در سده نوزدهم است. (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۳: ۶۲۹؛ طبری، ۱۳۶۰: ۱۰۲-۱۰۰). این شرایط از یک سو موجب انحطاط اوضاع اقتصادی و از سوی دیگر پیدایش نیروهای اجتماعی نوگرایی شد که زمینه وقوع انقلاب مشروطه به‌عنوان انقلابی «بورژوا-دموکراتیک» را فراهم کردند (ایوانف، ۲۵۳۷: ۷۳-۲۳؛ جزنی، ۱۳۸۸؛ طبری، ۱۳۶۰: ۱۶۲-۱۵۹). با کودتای سوم اسفند و استقرار پهلوی بحث نظری مبسوطی در میان کمونیست‌ها در مورد ماهیت این نظام آغاز شد. در ابتدا روایتی همسو با سیاست خارجی مسکو، رضاخان را به‌عنوان نماینده بورژوازی ملی معرفی می‌کرد. اما این جهت‌گیری به‌سرعت رنگ باخت. آواتیس سلطان‌زاده در رساله *انکشاف اقتصاد ایران و امپریالیسم انگلستان* (۱۹۳۰) عنوان کرد رضاخان و رژیم پهلوی نه‌تنها نیرویی مترقی نیست، بلکه نماینده یک ائتلاف واپس‌گرای داخلی و امپریالیسم انگلستان است که وظیفه آن تثبیت سلطه امپریالیسم در ایران است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳). در این روایت دوران پهلوی اول «دوران تدارک زیربنا و روبنای جامعه سرمایه‌داری وابسته در ایران در خطوط عمده آن» بوده که در اثر آن در پس‌زمینه تغییرات ظاهری، یک ساختار وابسته شکل گرفته است (طبری، ۱۳۶۰: ۱۶).

تحلیل‌گران مارکسیست، دولت پهلوی دوم را شکل تکامل‌یافته دولت وابسته سرمایه‌داری می‌دانند که از طریق اصلاحات ظاهری مورد حمایت آمریکا، مناسبات سرمایه‌داری را در کشور تعمیق کرده است (سوداگر، ۱۳۶۹: ۱۱۳-۱۱۲؛ طبری، ۱۳۶۰: ۲۱۲-۲۰۵؛ جزنی، ۱۳۵۸: ۶-۵). از اواخر دهه ۶۰ میلادی گروهی از تحلیل‌گران مارکسیست با فراتر رفتن از دیدگاه استاندارد ارتدکس، عنوان کردند

که رژیم پهلوی در شرایط وابستگی به غرب توانسته شکلی از تحول و توسعه زیربنایی را در کشور تحقق بخشد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۸۲-۱۵۶؛ گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ۲۱).

## منابع و مأخذ (پیوست مقاله)

### الف) فارسی

۱. آرونو، م. ر. ک. ز اشرفیان. (۲۵۳۶) *دولت نادرشاه افشار*، ترجمه حمید امین. تهران: شبگیر.
۲. آریانپور، امیرحسین. (۱۳۵۱) «گفتگو با امیرحسین آریانپور» مجموعه مباحثه‌های علی‌اصغر ضرابی. تهران: بامداد.
۳. انصاف‌پور، غلامرضا. (۲۵۳۵) *تاریخ زندگی اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران*. تهران: نشر اندیشه.
۴. ایوانف، میخائیل. (۱۳۵۶) *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه. بی‌جا: انتشارات حزب توده.
۵. ایوانف، میخائیل. (۲۵۳۷) *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه کاظم انصاری. تهران: کتاب‌های جیبی.
۶. پیگولوسکایا، نینا و دیگران. (۱۳۵۳) *تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی)*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
۷. پیگولوسکایا، نینا. (۱۳۷۲ الف) *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران*، ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. پیگولوسکایا، نینا. (۱۳۷۲ ب) *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. پطروشفسکی، ایلیا. (۱۳۴۴) *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دو جلد.
۱۰. پطروشفسکی، ایلیا. (۱۳۵۱) *نهضت سربداران خراسان*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
۱۱. جزنی، بیژن. (۱۳۸۸) *انقلاب مشروطیت ایران؛ نیروها و هدف‌ها*. پاریس: سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران.
۱۲. جزنی، بیژن. (۱۳۵۸) *نبرد با دیکتاتوری شاه به‌منابه نیروی عمده امپریالیسم و ژاندارم منطقه*. تهران: مازیار.
۱۳. داندامایف، محمد. (۱۳۸۹) *تاریخ سیاسی هخامنشیان*، ترجمه فرید جواهر کلام. تهران: فرزانه روز.
۱۴. دیاکونوف، ایگور. (۱۳۴۵) *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. دیاکونوف، میخائیل. (۱۳۵۱) *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
۱۶. رواسانی، شاپور. (۱۳۸۸) *دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری*. تهران: امیرکبیر.
۱۷. سوداگر، محمدرضا. (۱۳۶۹) *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران. مرحله گسترش ۱۳۴۲-۱۳۵۷*. تهران: شعله اندیشه.
۱۸. سلطان‌زاده، آوتیس. (۱۳۸۳) *انکشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان*، ترجمه ف. کوشا. تهران: مازیار.
۱۹. طبری، احسان. (۱۳۵۸) *شده‌ای درباره شناخت ایران و جهان*. تهران: انتشارات حزب توده.
۲۰. طبری، احسان. (۱۳۶۰) *ایران دو سده واپسین*. تهران: انتشارات حزب توده.
۲۱. قلی‌اوف، علی‌اوسط. (۱۳۸۸) *تاریخ آذربایجان (از پیدایی انسان تا رسایی فتودالیسم)*، اقتباس و ترجمه حسین محمدزاده صدیق. تبریز: یاران.
۲۲. لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۵۰) *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. نعمانی، فرهاد. (۱۳۵۸) *تکامل فتودالیسم در ایران*. تهران: خوارزمی.

### ب) انگلیسی

24. Dandamayev, Muhammad. (1984) *Slavery in Babylonia- from Nebopolassar to Alexander the Great (626-331 B.C)*. DeKalb and Chicago: Illinois: Northern Illinois University Press.